

# دگرگونیهای سیاسی عراق و روابط ایران و آمریکا

دکتر عنایت‌الله یزدانی\*  
مجتبی تویسرکانی\*\*

منطقه بوده است. اما از آنجا که برگزاری انتخابات، از اساسی‌ترین ابزارهای توسعه سیاسی - اجتماعی کشورها و حرکت به سوی جامعه‌ای دموکراتیک است، این هدف آمریکا (هرچند جای حرف دارد) می‌تواند آثار مثبت چشمگیری برای دولتها و ملت‌های منطقه داشته باشد. در این میان، راهبرد امنیتی ایالات متحده در عراق به‌همراه شیعه بودن بیشتر جمعیت این کشور و کنترل طبیعی ایشان بر دولت عراق و نیز قانون اساسی آن کشور که بر پایه «حکومت الگو»ی ایالات متحده شکل گرفته است فرصتهای پرشمار سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای افزایش برد منافع ملی ایران و یافتن نقش و جایگاه شایسته‌تری برای کشور ما در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی پدید می‌آورد. در شرایط حاضر و با وجود شکافهای مذهبی در عراق و فجایع ناشی از آن و نیز راضی نبودن قلبی نومحافظه‌کاران آمریکایی از کنترل شدن عراق به وسیله شیعیان، به علت پذیرفتن اصل دموکراسی مبتنی

## پیشگفتار:

دگرگون کردن ماهیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع خاورمیانه و خلیج فارس (زیر پوشش اصلاحات) هدف درازمدت ایالات متحده آمریکا در منطقه اعلام شده است. در حقیقت اصلی‌ترین انگیزه و آشننگتن از طرح خاورمیانه بزرگ نیز ایجاد دگرگونیهای سیاسی - اجتماعی در این منطقه به‌شمار می‌رود. نظریه‌پردازان کاخ سفید باهمسان جلوه دادن بنیادگرایی اسلامی و تروریسم، به خیال خود درصدد دمکراتیزه کردن کشورهای منطقه خاورمیانه به سبک ویژه خویش برای ریشه‌کن کردن تروریسم هستند. یکی از اهداف حمله نومحافظه‌کاران کاخ سفید به عراق در مارس ۲۰۰۳ و تصرف این کشور بی‌اجازه شورای امنیت سازمان ملل، تبدیل عراق به سرمشق توسعه و ترویج دموکراسی و ایجاد یک دومینوی دموکراسی‌سازی در

\* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

عراق و تصرف این کشور، برعکس جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۱)، در ظاهر به بهانه «جنگ با تروریسم» و برچیدن جنگ افزارهای ویژه کشتار گروهی که هرگز در این کشور یافت نشد رخ داد. ولی در واقع این جنگ که دومین مرحله از رشته جنگهای پیشگیرانه و در راستای استراتژی پیشگیرانه مورد نظر نومحافظه کاران کاخ سفید به شمار می‌رفت یکسره در جهت راهبرد بلندمدت و اشنگتن قرار داشت، که طرح جامع آن در سند امنیت ملی آمریکا نمایان است؛ یعنی آموزه راهبرد امنیت ملی ایالات متحده که جورج دبلیو بوش آن را در سخنرانی اول ژوئن ۲۰۰۲ در دانشکده علوم نظامی «وست پوینت» و در میان کسانی اعلام کرد که برای اجرای این سیاستها آموزش دیده بودند و پس از سه ماه چارچوب آموزه راهبرد امنیت ملی این کشور انتشار یافت.

محور این آموزه و استراتژی آمریکا بر گفتمان گسترش آزادی، لیبرالیسم و دموکراسی (هدایت شده) به سبک غربی قرار داشته و بر محور قدرت نظامی و هژمونی جهانی ایالات متحده شکل گرفته است. این گفتمان به گونه‌ای تنظیم شده که در منطقه خاورمیانه، جنبه راهبردی و امنیتی - اطلاعاتی و نیز اقتصادی به خود گرفته است، نه فرهنگی - اجتماعی (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۴-۱۳) و این نشانگر تضادی آشکار در اهداف و ابزارهای سیاستهای خاورمیانه‌ای و اشنگتن است. به هر رو تصرف عراق را می‌توان بخشی از استراتژی فراتر ایالات متحده

● راهبرد امنیتی ایالات متحده در عراق به همراه شیعه بودن بیشتر جمعیت این کشور و کنترل طبیعی ایشان بر دولت عراق و نیز قانون اساسی آن کشور که بر پایه «حکومت الگو»ی ایالات متحده شکل گرفته است فرصتهای پر شمار سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای افزایش برد منافع ملی ایران و یافتن نقش و جایگاه شایسته‌تری برای کشور مادر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی پدید می‌آورد.

بر اکثریت آراء این شیعیان عراق هستند که از دید سیاسی دست بالا را در حکومت این کشور می‌یابند و این می‌تواند بر وزن سیاسی ایران بیفزاید و جایگاه آنرا در معادلات مربوط به عراق از نقش یک کشور همسایه برجسته‌تر کند.

در این جا بحث رابطه و تعامل ایران و آمریکا و اهداف و منافع ایشان به عنوان مهمترین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پیش می‌آید. باید پرسید که چنین تعاملی چه اثری بر گفتمان روابط آمریکا و ایران خواهد گذاشت؟ این پژوهش بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد. فرضیه اصلی مقاله این است که با وجود تفاوت در اصول و اهداف درازمدت ایران و آمریکا، منافع آن دو در عراق به یکدیگر نزدیک است تا آنجا که می‌توان از وجود «منافع مشترک» در ترتیبات منطقه‌ای سخن به میان آورد.

منافع مشترک منفعی است که به وسیله یک دولت تأمین نمی‌شود و تحقق آن تنها با همکاری و همراهی دیگر واحدهای سیاسی امکان‌پذیر است. منافع مشترک اساس شکل‌گیری اتحادهای طبیعی است. این گونه اتحادهای درحالی پدید می‌آید که دو یا چند دولت در یک منطقه دارای منافع مشترکی باشند؛ اما از آنجا که خواستهها و منافع یکی از راه دیگری تأمین می‌شود، دولتها ضرورتی به متعهد ساختن رسمی خود به دیگری نمی‌بینند (قوام، ۱۳۷۲: ۱۸۲ و ۱۳۱). چنین وضعی در زمینه دست کم اهداف و منافع کوتاه‌مدت ایران و آمریکا در عراق تبیین‌پذیر است. فصل مشترک منافع ایران و آمریکا در دگرگونیهای اخیر عراق در سه بخش قابل بحث است که عبارت است از: بخش راهبرد امنیتی ایالات متحده در عراق و منافع ایران؛ شیعیان عراق و موقعیت آنها در حکومت عراق؛ قانون اساسی عراق؛ که در واقع سه رأس یک مثلث را تشکیل می‌دهند.

در این پژوهش، نخست ضرورتهای تعامل و همکاری میان تهران و واشنگتن در مسائل جاری در عراق مورد توجه قرار می‌گیرد، سپس به بررسی پارامترهای سه گانه تسهیل کننده چنین همکاری‌هایی پرداخته می‌شود و در پایان به موانع موجود بر سر راه گفت‌وگو میان ایران و آمریکا اشاره خواهد شد.

## ضرورت همکاری

حملة نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده به

آن است که آثار بلندمدت نفوذ خود را در عراق افزایش دهد (رقابت ایران، ۱۳۸۴: ۱). از سوی دیگر، ایالات متحده برای مهار کردن شورشها و بحرانهای جاری و برقراری ثبات و امنیت نسبی در این کشور، نیاز مبرم به توافق با کشورهای همسایه عراق از جمله مهمترین آنها یعنی ایران دارد؛ بویژه که دولتمردان آمریکایی متوجه شده‌اند ثبات و آرامش در عراق، بی‌همکاری با ایران امکان‌پذیر نیست.

در حمله نخست آمریکا به عراق در سال ۱۹۹۱، واشنگتن به این سبب از برچیدن رژیم صدام خودداری کرد که در آن هنگام گزینه دلخواهی برای جانشینی صدام نداشت و بر این باور بود که گزینه‌ای جز روی کار آمدن دوستان ایران در عراق وجود ندارد. دیگر همسایگان عراق نیز به سیاستمداران آمریکایی چنین وانمود می‌کردند که آینده عراق بی‌صدام، با دخالت‌های ایران برای آن کشور خطرناکتر از ماندن صدام بر سریر قدرت خواهد بود. اما پس از تجربه آمریکا در افغانستان، تصمیم آمریکا برای برچیدن رژیم صدام با پذیرش این اصل همراه بود که به قدرت رسیدن دوستان ایران را (برخلاف میل باطنی) پذیرا شود. در راستای چنین تفکری بود که واشنگتن وارد گفت‌وگو با نزدیک‌ترین دوستان ایران در عراق یعنی شخصیت‌های تبعیدی عراق شد و سرانجام به رهبری آنان در عراق آینده تن داد (امین‌زاده، ۱۳۸۵).

با وجود اشتیاق پاره‌ای نومحافظه‌کاران آمریکایی به ستیز با ایران، آثار جنگ عراق موضع تهران را تقویت کرده است، چرا که اکنون جلب همکاری این کشور برای واشنگتن ضرور است (روابط ایران، ۱۳۸۳: ۳۰). جفری کمپ از کارشناسان آمریکایی مسائل خاورمیانه و مدیر برنامه استراتژیک منطقه‌ای مرکز نیکسون با تأکید بر اهمیت تماس با ایران برای بازگرداندن ثبات به عراق، می‌گوید در گذشته شاید پاره‌ای از سیاستمداران ایرانی حضور آمریکا در عراق را خطری برای خود می‌شمردند اما با توجه به درگیری آمریکا در عراق و نیز افغانستان، این کشور دیگر خطر بزرگی برای ایران شمرده نمی‌شود (نقل از قاسمی - م، ۱۳۸۴: ۳-۲). کمپ می‌افزاید ایران توانایی لازم برای آفریدن بحرانهای متعدد برای آمریکا در عراق دارد و تأکید می‌کند که تماس با تهران و دیگر همسایگان عراق، برای واشنگتن

برای حفظ و گسترش هژمونی خود در جهان کنونی دانست که بی‌گمان طرح خاورمیانه بزرگ یا جدید بخش جدانشدنی آن است. به عبارت روشنتر، اهداف راهبردی دولت آمریکا در سطح جهانی و منطقه‌ای با آینده طرح خاورمیانه بزرگ و نیز با موفقیت این کشور در عراق گره خورده است. بنابراین واشنگتن همه تلاشهای دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی خود را به کار خواهد بست تا از این مرحله با پیروزی گذر کند. اما موج تازه‌ای از بی‌ثباتی و ناامنی، تراجار داراییهای عمومی و آشفتگی ناشی از نبود حکومت که در پی فروپاشی رژیم دیکتاتوری صدام حسین در عراق روی داد (حیدری، ۱۳۸۲: ۴-۳). از همان آغاز تصرف این کشور دامن نیروهای خارجی را نیز گرفت، به گونه‌ای که تنها هشت ماه پس از تصرف بغداد از سوی آمریکا و متحدینش، یعنی در نوامبر ۲۰۰۳، اعلام می‌شود که نیروهای ائتلاف در آغاز جنگ عراق، تلفات کمتری از دوران پس از جنگ و «پیروزی» در عراق داشته‌اند (امینی، ۲۰۰۴: ۳).

با توجه به شرایط پس از تصرف عراق، این دیدگاه پیش از جنگ که «آمریکایی‌ها ممکن است بر صدام پیروز شوند، اما نخواهند توانست صلح و امنیت را برای عراق به ارمغان آورند»، یکسره قابل درک است. درستی چنین پیش‌بینی‌ای اکنون نیز که بیش از سه سال از حضور نیروهای بیگانه در عراق می‌گذرد، رئیس‌جمهوری آمریکا را سخت زیر فشار قرار داده است (شاه رکنی، ۱۳۸۲: ۲). درحقیقت، چنین امری بود که در ژانویه ۲۰۰۴، واشنگتن را واداشت تا زیر فشارهای گوناگون بین‌المللی و افکار عمومی جهانیان اعلام کند که آماده است تا پایان ژوئن همان سال حاکمیت را به یک دولت موقت منتقل کند و سرانجام نیز پس از گذشت ۱۴ ماه از تصرف مستقیم عراق، حکومت ائتلاف قدرت را به دولت موقت عراق تحویل داد و پُل برمر (Poul Bremer) حاکم آمریکایی در عراق نیز با برچیده شدن حکومت نیروهای ائتلاف، این کشور را ترک کرد.

هم‌اکنون نیز درحالی که ایالات متحده با ناآرامی‌های پرتنش در عراق روبه‌رو است و ماشین جنگی این کشور در عراق گیر افتاده و تاکنون بیش از ۱۷۵۰ تن از سربازانش را از دست داده است و انتقادات درونی و بین‌المللی، دولتمردان این کشور را نشانه رفته است، جمهوری اسلامی ایران در همسایگی شرقی این کشور بر

نیستند. اما به نظر می‌رسد که زمینه تأمین آن گونه از منافعی که از راه دیپلماسی و چانه‌زنی، به دست می‌آید در عراق برای هر دو کشور فراهم است. بنابراین به سبب داشتن منافع مشترک به نظر می‌رسد واشنگتن و تهران نیازمند همکاری در پاره‌ای زمینه‌ها هستند؛ واقعیتی که کلیفورد کوپچان، معاون مرکز نیکسون در آمریکا، در پانزدهمین همایش بین‌الملل خلیج فارس بر آن انگشت گذاشت. کوپچان در این همایش با بیان اینکه آمریکا و ایران منافع تازه‌ای را به گونه مشترک پی‌گیری می‌کنند، عراق را یکی از زمینه‌های همکاری مشترک دو کشور برای تأمین دیگر منافع مشترک برشمرد، به ویژه عراقی دموکراتیک که قادر به کنترل مرزهایش باشد. او در ادامه به توافق آمریکا و ایران بر سر ثبات و رشد اقتصادی منطقه خلیج فارس و صدور مداوم نفت به بازارهای جهانی اشاره کرد و گرایش هر دو آنها را در بازسازی کشورهای شکست خورده منطقه، به عنوان کشورهایی که می‌توانند در آینده منشاء بی‌ثباتی و وحشت شوند یادآور شد (کوپچان، ۱۳۸۳). هشدار بسیاری از کارشناسان غربی و آمریکایی در زمینه جدا شدن منافع ایران و آمریکا در عراق، زنگ خطری جدی است که ناشنیده انگاشتن آن، می‌تواند زیان جبران‌ناپذیر به بار آورد.

از دید استراتژیک، سیاست آمریکا در برابر ایران، کمابیش روشن است. این کشور از دیدگاه واشنگتن برای منافع و امنیت ملی آمریکا خطر آفرین به‌شمار می‌رود؛ خطری که سرانجام باید آنرا خنثی کرد. ولی پیش از آن باید نفوذ جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر در منطقه کاهش داد و از این‌رو است که آمریکا سرسختانه مخالف گسترش نفوذ ایران در منطقه و بویژه در عراق است. ایران

### ● در حمله نخست آمریکا به عراق در سال

۱۹۹۱، واشنگتن به این سبب از برچیدن رژیم صدام خودداری کرد که در آن هنگام گزینه دلخواهی برای جانشینی صدام نداشت و بر این باور بود که گزینه‌ای جز روی کار آمدن دوستان ایران در عراق وجود ندارد.

ضرور است. به باور این کارشناس، ایران بیش از آنکه به شکل و چگونگی دولت عراق علاقه‌مند باشد، خواهان اطمینان از خطرناک نبودن این کشور برای منافعش است. بدین ترتیب ایران خواستار عراق «غیر خصمانه» است که هیچ خطری، چه سیاسی و چه نظامی متوجه منطقه نکند که این در حقیقت همان هدف ایالات متحده نیز هست (همان).

چنین اشتراکاتی، لزوم اتخاذ رویکردی تازه از سوی آمریکا در برابر ایران را ضرور ساخته است. ضرورتی که در گزارش ۲۰ جولای ۲۰۰۴ شورای روابط خارجی آمریکا بر آن تأکید شده است. زیبگنیو برژینسکی و رابرت گیتس در این گزارش، ایران را بیست و پنج سال پس از انقلاب اسلامی، همچنان برای ایالات متحده هم یک چالش و هم یک فرصت به‌شمار می‌آورند و می‌گویند منافع آمریکا ایجاب می‌کند که با ایران، پیرامون ثبات منطقه‌ای، منصرف کردن این کشور از تلاش برای دسترسی به جنگ‌افزار هسته‌ای، حفظ سطح قابل اعتمادی از صدور انرژی، کاهش خطر ترور و با توجه به کمبود دموکراسی فراگیر در کل منطقه خاورمیانه، تعامل گزینشی داشته باشد. از این رو اعضای این گروه مطالعاتی شورای روابط خارجی، مدافع و مشوق بازنگری در رفتار سیاسی آمریکا در برابر ایران هستند. این گروه بایان اینکه گفت‌وگو با ایران نباید تا زمان حل شدن اختلافات ژرف موجود پیرامون اهداف هسته‌ای ایران به تعویق افتد، توصیه می‌کنند که واشنگتن طرح گفتگوی مستقیم درباره موضوعات مربوط به ثبات منطقه‌ای را به ایران پیشنهاد کند؛ ایرانی که بالقوه می‌تواند نقش مهمی در برقراری ثبات و ایجاد دولتی فراگیر در بغداد بازی کند. از دید ایشان، ایران ممکن است به یک بازیگر سازنده در افغانستان و بویژه عراق تبدیل شود، اما چنانچه از دولتهای پس از جنگ این کشورها دوری گزیند در همان حال از امکان فراهم ساختن مشکلات مهم برای هر دو این رژیمها و مخالفت جدی با اهداف آمریکا در این دو کشور نیز برخوردار خواهد بود (برژینسکی و گیتس، ۲۰۰۴: ۱-۲).

از آنجا که ایران و آمریکا هر دو در عراق منافع دارند که از اولیتهای سیاست خارجی آنها سرچشمه می‌گیرد، به هیچ‌روی حاضر به سازش و کوتاه آمدن بر سر پاره‌ای از اهداف و اصول اساسی خویش در این زمینه

نیاز ایالات متحده به همکاری با ایران در عراق، نیازی جدی است و فراتر از بحث تأمین امنیت در این کشور و کاهش فشارها بر دولت آمریکاست و به بحث راهبردی موازنه منطقه‌ای ایالات متحده در خاورمیانه بازمی‌گردد. ایالات متحده به منظور تأمین امنیت منطقه، همواره بر قدرتهای منطقه‌ای تکیه داشته که توان به خطر انداختن منافع بنیادی این کشور را داشته‌اند. با وجود این در زمینه ایران که يك جامعه شیعی است و در مذهب تشیع سنت صلح همواره از سنت جنگ قوی‌تر بوده احتمال روی آوردن به گفت‌وگو با آمریکا وجود دارد. به بیان دیگر ایران با تأکید بر اینکه راه گفت‌وگو و رابطه با هیچ کشوری جز رژیم صهیونیستی بسته نیست، در مقاطعی علاقه‌مندی خویش را برای گفت‌وگو و گشایش رابطه با آمریکا (البته در شرایط مساعد) نشان داده است. چنین رویکردی از سوی ایران گویای این واقعیت است که ایران شیعه در فضایی صلح‌آمیز و دور از تنش بهتر و راحت‌تر به اهداف و آرمانهایش خواهد رسید؛ چیزی که پاره‌ای از دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای خواهان آن نیستند.

به هر رو واقعیت انکارناشدنی دست و پا زدن آمریکا در باتلاق عراق، سرانجام واشنگتن را ناچار ساخت تا درخواست سیدعبدالعزیز حکیم، رئیس مجلس انقلاب اسلامی عراق و از دوستان نزدیک ایران، در زمینه گفت‌وگوی دو دولت ایران و آمریکا بر سر موضوع عراق را بپذیرد. «شان مک کورمک» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ایران و عراق را دو کشور دارای مرزهای گسترده با یکدیگر دانست و گفت که این امر مسایل گوناگونی برای هر دو سو پدید می‌آورد که باید بر پایه احترام متقابل و تفاهم دوسویه حل شود. به گفته او نقش آمریکا در این جریان، آسان‌کننده چنین رابطه‌ای خواهد بود و تماس با ایران در راستای منافع هر سه کشور، یعنی آمریکا، ایران و خود عراق صورت خواهد پذیرفت؛ همانگونه که در گذشته و در کنفرانس بن نیز گفتگوهای در سطح مقامات دیپلماتیک ایران و آمریکا درباره افغانستان صورت گرفته بود (مذاکره، ۱۳۸۴).

ناامنی و بی‌ثباتی در عراق گریبانگیر هر دو دولت ایران و آمریکا خواهد بود و امنیت عراق نه تنها برای عراقی‌ها سودمند خواهد بود، بلکه امنیت مرزها و همسایگان آنرا نیز تضمین خواهد کرد. هیچ يك از کشورهای همسایه و نیز هیچ قدرت فرمانطقه‌ای از ناامنی

نیز از دید استراتژیک کمترین علاقه‌ای به پیروزی سیاست آمریکا در عراق ندارد و آنرا در راستای دیگر سیاستهای ایالات متحده در سراسر خاورمیانه و بویژه «طرح خاورمیانه بزرگ» ارزیابی می‌کند. با وجود این، هم واشنگتن می‌داند که ایران به سبب ارتباطش با پاره‌ای از گروه‌های شیعه عراقی و مهمتر از آن مرز گسترده‌اش با عراق می‌تواند بر دسره‌های ارتش آمریکا در عراق بیفزاید، هم زمامداران ایرانی به خوبی می‌دانند که بی‌ثباتی و آشفتگی گسترده در عراق به سود ایران نیست. از این رو با اینکه ایران و آمریکا دو دشمن استراتژیک شمرده می‌شوند، اما ناچارند همکاری‌های تاکتیکی داشته باشند و این درسی است که تحولات جاری عراق به ما می‌آموزد (زیدآبادی، ۲۰۰۴: ۱).

حضور ایران در عراق برای منافع ایالات متحده بر سرهم مثبت ارزیابی می‌شود؛ این برداشتی است که «کن پالاک»، کارشناس «مؤسسه صلح بروکینگز»، از وضع کنونی عراق دارد. او از خاورمیانه‌شناسانی است که با مشترک دانستن بسیاری از اهداف و منافع ایران و آمریکا در عراق، درباره روزی که منافع این دو کشور در عراق از یکدیگر جدا شود، هشدار داده است. پالاک بر این باور است که با وجود تلاش پاره‌ای مقامات آمریکایی برای جدا کردن مسأله ایران از عراق، واشنگتن باید بداند که نمی‌تواند مشکلات عراق را بی‌کمک ایران حل و فصل کند (مثلت حیاتی، ۱۳۸۴: ۱).

● از دید استراتژیک، سیاست آمریکا در برابر ایران، کمابیش روشن است. این کشور از دیدگاه واشنگتن برای منافع و امنیت ملی آمریکا خطر آفرین به شمار می‌رود؛ خطری که سرانجام باید آنرا خنثی کرد. ولی پیش از آن باید نفوذ جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر در منطقه کاهش داد و از این رو است که آمریکا سرسختانه مخالف گسترش نفوذ ایران در منطقه و بویژه در عراق است.

● نیاز ایالات متحده به همکاری با ایران در عراق، نیازی جدی است و فراتر از بحث تأمین امنیت در این کشور و کاهش فشارها بر دولت آمریکاست و به بحث راهبردی موازنه منطقه‌ای ایالات متحده در خاورمیانه بازمی‌گردد.

در عراق سود نخواهد برد؛ واقعیتی که در مورد دو کشور ایران و آمریکا روشن‌تر به نظر می‌رسد. جدا از بحث امنیت، تهران و واشنگتن از وجود اکثریت شیعه در این کشور و حکومت ایشان بر پایه قانون اساسی عراق نیز سود می‌برند که این می‌تواند زمینه‌ساز همکاریهای بیشتر دو کشور برای بهره‌مندی بهتر از منافع مشترک شود؛ منافی که هر یک از این دو کشور به تنهایی قادر به تأمین آن نخواهد بود.

## شیعیان عراق

وجود بیش از شصت درصد جمعیت شیعه در برابر نزدیک به سی و پنج درصد جمعیت سنی در عراق، هم فرصتی برای ایران بعنوان بزرگترین کشور شیعه در جهان اسلام فراهم آورده است و هم گزینه مناسبی برای ایالات متحده در فرایند استقرار یک دولت ملی در عراق پس از صدام. هرچند تهران از سال ۱۹۵۸ و بویژه با روی کار آمدن حزب بحث در عراق تا زمان فروپاشیدن حکومت این حزب به دست نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا، همواره از سوی این کشور احساس خطر می‌کرده است، ولی سیاستمداران ایرانی واقعیت جدا بودن جامعه و ملت عراق از حکومت بعث این کشور را درک کرده و پذیرفته بودند.

ایالات متحده در سالهای مخالفت خویش با صدام حسین و حکومت عراق برای دو گروه بزرگ جمعیتی در عراق یعنی شیعیان و کردها و بویژه شیعیان ساکن مناطق نفت‌خیز جنوب این کشور اهمیت خاصی قائل بود. آمریکایی‌ها به خوبی از نفوذ مؤثر قدرت استعماری پیشین بریتانیا بر بافت جمعیتی سنی مذهب عراق آگاهند و از این نظر نیز دید مثبتی به رهبران سنی عراق ندارند. بنابراین در فردای تصرف عراق و حتی پیش از آن روشن شد که ایالات متحده با وجود مخالفت قلبی خویش با حضور اکثریت شیعه در حکومت این کشور، که دلیلی جز نزدیکی ایشان با ایران شیعی مذهب نداشت، ناگزیر از پذیرش نقش فزاینده شیعیان عراق در دولت این کشور خواهد شد.

در میان پیروان مذهب شیعه و سنی، اقوام گوناگون عرب، کرد و ترکمن وجود دارند. پاره‌ای از کردها از اهل سنت، بیشتر آنها شیعه و ترکمن‌ها نیز از پیروان مذهب شیعه‌اند. با توجه به چنین ترکیب جمعیتی است که

بیشتر شیعیان در عراق پس از برکناری صدام و دیدن اوضاع خشونت‌بار کشور خود، تلاش بسیار کرده‌اند که دوران آشفتگی و بی‌ثباتی ناشی از برکناری صدام هرچه زودتر پایان یابد. بنابراین شیعیان برگزاری هرگونه انتخابات را با توجه به جمعیت انبوه خود فرصتی طلایی می‌دانند (فراهانی، ۱۳۸۳: ۹-۱) و از این رو به رهبری مراجع عظام خود که تا چند دهه پیش تنها در مدارس علمی به تدریس علوم دینی می‌پرداختند و هرگز تمایلی به دخالت در سیاست نداشتند، چنان وارد صحنه سیاست عراق شدند که مقامات آمریکایی را به شگفتی واداشتند. در آغاز ترس این مقامات از آن بود که اگر عناصر بنیادگرای شیعی از انتخابات پیروز بیرون آیند، آنها نیز مانند همسایه خود، ایران، رویکردی ضد غربی در پیش گیرند (طلوع، ۱۳۸۲: ۱). اما دگرگونیهای جاری در عراق نشان داده است که ترس از تلاش ایران برای استقرار دولتی شیعی در عراق بیش از اندازه با بزرگنمایی همراه بوده است. کافی است به فعالان سیاسی شیعی در عراق نگاهی بیندازیم. آیت‌الله سیستانی مرجع بزرگ شیعیان هر چند با رهبران شیعه ایران در تماس است اما به نوبه خود حاکمیت مذهبی در عراق را رد کرده است. این روحانی بزرگ شیعه را می‌توان یک اسلام‌گرای میانه‌رو دانست، اما «مقتدا صدر» چنان ناسیونالیست است که حاضر به پذیرش دست بالای ایران در عراق نخواهد بود ضمن اینکه در شرایط کنونی هدف اصلی ایران، پشتیبانی از دولت شیعی عراق و برقراری روابط دوستانه با آن است. با در نظر گرفتن مواردی از این دست، توصیه‌های «شورای روابط خارجی» سنای آمریکا، برای مشارکت ایران و ایالات متحده در حل مسائل عراق، یکسره منطقی

عادی و طبیعی است جدا از بحث دخالت ایران در مسایل عراق.

ائتلاف ایران و عراق، همچنین وضع شیعیان را در دیگر کشورهای عربی بهبود بخشیده است و به آنها این امکان را می‌دهد که با آزادی بیشتری در پی برآوردن حقوق سیاسی خود باشند. بر این پایه، هرگونه قدرت‌یابی شیعیان در منطقه، هرچند به گونه‌ای نسبی، می‌تواند به افزایش قدرت و اثرگذاری ایران بینجامد. از سوی دیگر، یک عراق «دوست» به ایران این امکان را می‌دهد که ارتباط زمینی مستقیم با سوریه برقرار کند؛ سوریه‌ای که مهمترین یا تنها متحد منطقه‌ای ایران شمرده می‌شود و راههای زمینی نیز در مواقع بحرانی بسیار مطمئن‌تر از راههای هوایی و یا دریایی است. به باور راستین رهبران ایران، با پیوستن یک عراق دوست به ایران، سوریه و لبنان، ائتلاف نیرومندی در برابر اسرائیل پدید خواهد آمد که موقعیت همراهان عرب ایران در برابر اسرائیل را بیش از پیش مستحکم خواهد کرد (عراق، ۱۳۸۴: ۲) و این، فرصتی است که با برکناری صدام و رژیم بعث عراق، برای جمهوری اسلامی ایران فراهم آمده است.

اثر ایران بر معادلات عراق امروزه به اندازه‌ای است که روزنامه آمریکایی لس‌آنجلس تایمز، از فتح خاورمیانه به دست ایران شیعی خبر می‌دهد که سبب آن نیز برچیده شدن رژیم بعثی صدام حسین بعنوان سپری در برابر نفوذ پیام ایران به جهان عرب بوده است. این روزنامه در مقاله «فتح الفتوح ایران در خاورمیانه با پیاده نظام آمریکا»، هلال شیعی را که شاه اردن از آن احساس خطر می‌کند یک واقعیت دانسته و یکی از نشانه‌های آنرا نیز عزاداری آزادانه شیعیان عربستان در روز عاشورا می‌داند. به باور نویسنده آمریکایی مقاله، نفوذ ایران هم اکنون در سراسر عراق از کردستان تا ترکیه و حتی سوریه تقویت و تا حزب الله لبنان در مرزهای اسرائیل گسترده شده است. از این رو دستان ایران از راه جوامع شیعی حتی به قلب اعراب در خلیج فارس رسیده است (نقل از فتح الفتوح، ۱۳۸۴: ۱-۲).

اما نکته‌ای که از دید این تحلیل‌گر مسایل سیاسی دور مانده که به نظر عمده می‌رسد، نفوذ نرم و بیشتر فرهنگی ایران بر مناسبات شیعیان و حتی غیر شیعیان در جوامع خاورمیانه است. ایدئولوژی سیاسی و مذهبی ایران بر پایه رَد هرگونه سلطه بیگانگان بر مسلمانان قرار

● نامنی و بی‌ثباتی در عراق گریبانگیر هر دو دولت ایران و آمریکا خواهد بود و امنیت عراق نه تنها برای عراقی‌ها سودمند خواهد بود، بلکه امنیت مرزها و همسایگان آنرا نیز تضمین خواهد کرد. هیچ یک از کشورهای همسایه و نیز هیچ قدرت فرامنطقه‌ای از نامنی در عراق سود نخواهد برد؛ واقعیتی که در مورد دو کشور ایران و آمریکا روشن تر به نظر می‌رسد.

به نظر می‌رسد. ایالات متحده باید از راه همکاری با تهران، از نیروی اثرگذاری این کشور برای پیشبرد روند ایجاد ثبات در عراق و بهبود روابط این کشور با همسایگان خود بهره‌گیرد (پلامر، ۱۳۸۳).

«میشل نایتس» از کارشناسان مسائل خاورمیانه و عراق در میزگردی تخصصی که شورای روابط خارجی آمریکا در اکتبر ۲۰۰۵ در زمینه مسایل عراق برگزار کرده بود، روابط کنونی ایران و عراق را ناشی از فرایند بلندمدت روابط تاریخی این دو کشور همسایه دانست. «نایتس» گفت آنچه را اکنون از فعالیتهای ایران در عراق می‌بینم، ناشی از فرایند بلندمدت نفوذ سیاسی و مذهبی ایران در جامعه عراق است و سیاستهای واشنگتن نمی‌تواند بر آن اثری بگذارد. از آنجا که دموکراسی در سرنواشت سیاسی عراق عاملی تعیین کننده است، با توجه به شیعه بودن بیشتر عراقی‌ها اثر ایران در آینده عراق بیش از اینها خواهد بود. (تأثیر ایران، ۱۳۸۴: ۱). پیتر خلیل از کارشناسان ارشد مسایل خاورمیانه نیز در این نشست، بعد مذهبی ارتباط ایران با عراق را بسیار پیچیده خواند و بدین سبب متهم کردن ایران به دخالت در عراق را نسنجیده ارزیابی کرد (همان). ویژگیهای فرهنگی - نژادی، آداب و رسوم و تجربیات تاریخی، همراه با جهان بینی مذهبی بزرگترین گروه مذهبی در عراق، در واقع راهی است برای جمهوری اسلامی ایران در جهت گسترش نفوذ سیاسی اش در آن کشور و همان گونه که بیشتر کارشناسان واقع بین می‌گویند، چنین فرایندی بیش از هر چیز روندی

شیعیان عراقی را نیز می‌توان چنین ارزیابی کرد که در درجه نخست آنچنان که گفتیم، شیعیان این کشور بیشترین درصد جمعیت عراق را دارا هستند و دوم اینکه شیعیان عراقی نه تنها پایگاه سنتی حزب بعث و حکومت صدام حسین به‌شمار نمی‌آمدند، بلکه بیشترین سرکوب این رژیم را نیز برتائیده بودند. سوم اینکه ایالات متحده بر این باور است که با تکیه بر این گروه و حاکمیت بخشیدن به آنها که در تاریخ اعراب پیشینه ندارد به ستیز با بنیادگرایی مذهبی بپردازد که بیشتر در بین سنی‌های سلفی رشد یافته و منافع این کشور را حتی در خاک آمریکا به خطر انداخته است. دلیل چهارم آمریکا از پشتیبانی از شیعیان عراقی، می‌تواند پدید آوردن گزینه‌ای در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران باشد که تاکنون بزرگترین حکومت شیعی در جهان اسلام بوده است.

از هر دیدگاهی که به رویکرد دو کشور ایران و آمریکا به شیعیان عراق بنگریم، این جمعیت یکی از محورهای شکل‌گیری منافع دو قدرت خواهد بود و موضوعی که این واقعیت را روشن‌تر می‌کند، پیشواز سیاستمداران عراقی از حمایت‌های تهران و واشنگتن و کوشش ایشان در نزدیک‌تر کردن اهداف و منافع این دو بر سر عراق است. در این راستا درخواست آشکار سید عبدالعزیز حکیم برای گفت‌وگو میان ایران و آمریکا دربارهٔ اوضاع عراق گواه روشنی در این زمینه است.

### حکومت و قانون اساسی عراق

تصویب قانون اساسی عراق با حضور ۶۳ درصد از دارندگان شرایط رأی دادن و آرای مثبت ۷۸ درصدی به آن، گامی به پیش برای ملت و نیز کشورهایی است که از ثبات و امنیت عراق سود می‌برند. مخالفان آرامش در این کشور چه بخواهند و چه نخواهند، عراق به سوی «حاکمیت مردمی» پیش می‌رود و این برای کشوری که در سی سال گذشته در چنگ استبداد صدام و حزب بعث بوده است، یک پیروزی بزرگ است. گام بعدی ملت عراق در راه دموکراتیزه کردن کشور، انتخابات پارلمانی ۱۵ دسامبر ۲۰۰۵ بود که به پیروزی شیعیان در تشکیل بزرگترین فراکسیون مجلس انجامید. این وضع در برابر شرایط در دوران صدام حسین، برای ایران نیز خوشایند خواهد بود زیرا در دوران دیکتاتوری حزب بعث، عراق حکومتی سکولار با دولت مرکزی بسیار نیرومند داشت

دارد که نمود بارز آنرا در ایستادگی حزب‌الله لبنان در برابر تجاوزات ارتش رژیم صهیونیستی به خاک آن کشور در ژوئیه و اوت ۲۰۰۶ و پیروزی این جنبش و تحریک احساسات گروه‌های سنی و نیز مسیحی لبنان و دیگر دولت‌ها و ملت‌های منطقه شاهد بودیم آنچنان که روز به روز بر محبوبیت حزب‌الله و شخص سیدحسین نصرالله، رهبر این جنبش، افزوده می‌شود؛ امری که رسانه‌های غربی نیز آن را پذیرفته‌اند و نادیده انگاشتن نقش معنوی ایران را در این منطقه جایز نمی‌شمارند.

در زمینه رابطه دولت و ملت ایران با دومین گروه جمعیتی عراق یعنی کردها نیز باید گفت که کردها در سطح خاورمیانه جز ایران پشتیبان دیگری ندارند و بزرگترین پشتیبان کردها، ایران است زیرا مرزهای فرهنگی ایران فراتر از مرزهای جغرافیایی آن است و بنابراین هر جا که کرد باشد، آنجا ایران است (واحدنوان، ۱۳۸۴: ۲). در درازای تاریخ نیز منطقه وسیع کردستان؛ در عراق، ایران و ترکیه همواره بخشی از ایران بوده و کردها، از کهن‌ترین و اصیل‌ترین اقوام ایرانی شمرده می‌شوند و میان کردهای منطقه، بویژه کردهای ایران و عراق نیز همانند شیعیان، پیوندهای گسترده و ژرف وجود دارد (یزدی، ۱۳۸۵: ۱). از این‌رو کردها در خاورمیانه ایران را یار و پشتیبان خود می‌دانند، بویژه کردهای عراق که سالیان دراز در درون مرزهای ایران حضور داشته‌اند و مخالفت خویش با حزب بعث را از آنجا سازماندهی و رهبری می‌کرده‌اند. اکنون نیز که کردهای عراق با دگرگونی‌های پدید آمده در عراق جایگاهی شایسته به‌دست آورده‌اند، تجربهٔ خوش حضورشان در ایران و حمایت‌های این کشور را از یاد نخواهند برد و در کنار شیعیان عراق دوست مناسبی برای ایران خواهند بود.

شیعیان و کردهای عراقی تاکنون از حمایت‌های هر دو کشور ایران و آمریکا در برابر مخالفتهای اهل تسنن بویژه حزب بعث عراق و نیز عوامل بیرون از این کشور بهره‌مند شده‌اند. پیوند ژرف مذهبی و تا اندازه‌ای ایدئولوژیکی میان ایران و شیعیان عراق، لزوم پشتیبانی همه‌جانبه تهران از مواضع به حق شیعیان این کشور را روشن می‌سازد و نیز این که به هر رو عراق و فراتر از آن تمامی خلیج فارس، به گونه‌ای منطقه نفوذ ایران به‌شمار می‌رود. علت طرفداری بی‌شائبه ایالات متحده از



اتحادیه عرب در مصاحبه سپتامبر ۲۰۰۵ با بی بی سی، بخش‌هایی از این قانون را «دستورالعملی برای ایجاد هرج و مرج در عراق» دانسته و از محتوای آن ابراز نگرانی کرده بود (دبیرکل، ۱۳۸۴). ولی همان‌گونه که اشاره شد دو کشور ایران و آمریکا تدوین قانون اساسی عراق را به فال نیک گرفتند.

در جریان تصویب این قانون، زلمای خلیل‌زاد، سفیر آمریکا در عراق، با ابراز ناخشنودی از مخالفت اهل تسنن با قانون اساسی عراق، این قانون را جامع‌ترین قانون اساسی در جهان اسلام دانست (معصومی a، ۱۳۸۴). جرج بوش نیز با اینکه پیشتر گفته بود: «قانون اساسی عراق نوشته شده و شهروندان این فرصت را دارند که آنرا بپذیرند یا نپذیرند»، با ابراز خرسندی از پایان گرفتن کار تدوین قانون اساسی، آنرا منبعی الهام‌بخش برای پیروان دموکراسی دانست (فراهانی، ۱۳۸۴: ۳-۴). ایران نیز از روند تدوین قانون اساسی عراق در مجمع ملی آن کشور ابراز خرسندی کرد و سخنگوی وزارت خارجه ایران، بارها با اشاره به تدوین قانون اساسی در عراق، گفت امیدواریم تداوم روند سیاسی عراق منجر به رفاندوم قانون اساسی و استقرار دولت در زمان پیش‌بینی شده در آن کشور شود. او همچنین، ایجاد ثبات و امنیت در عراق بر اثر اجرای قانون اساسی را سبب شکوفایی عراق و خدمت به منافع ملت عراق و نیز همسایگان عراق ارزیابی کرد (همان: ۴).

پس از برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی و تصویب

ولی اکنون که قانون اساسی تازه تصویب شده است و دولت رسمی عراق بر سر کار آمده است، این کشور هویت اسلامی بیشتری خواهد داشت و حکومت مرکزی نیز بخش بزرگی از قدرت خود را از دست خواهد داد (فراهانی، ۱۳۸۴: ۹-۱۰). و این می‌تواند خیال ایران را از تعرضهای احتمالی این کشور که پیشینه‌ای دراز در روابط دو کشور دارد، آسوده کند.

حضور پررنگ اسلام در قانون اساسی عراق و بویژه در قوانین مدنی آن، نشان می‌دهد که قانون اساسی این کشور یک قانون اساسی تئوکراتیک است. بند ۱ از ماده ۲ این سند اعلام می‌دارد که اسلام دین رسمی دولت عراق و منبع اصلی قانون‌گذاری است. در زیر این ماده و در تبصره‌هایش نیز تأکید شده است که هر قانونی که با احکام دینی یا با اصول ثابت اسلام در تضاد باشد، نمی‌تواند تصویب شود (تبصره ۱). برپایه تبصره ۲ این ماده نیز هیچ قانونی نباید مخالف با اصول دموکراسی باشد. البته طرفداران این قانون اساسی به این تبصره اشاره می‌کنند اما اگر به دیگر مواد توجه کنیم بر رعایت فقه اسلامی در زمینه‌های گوناگون و شریعت اسلامی اشاره شده است. برای نمونه برپایه ماده ۹۰ این قانون، دادگاه عالی فدرال دارای یک هیأت منصفه مستقل است؛ اما پیش از آن تأکید می‌کند که قضات این دادگاه، باید در فقه اسلامی تخصص داشته باشند و شمار آنها را قانون تعیین می‌کند (بند ۲ از ماده ۸۹). اما این باید قانونی باشد که دوسوم اعضای پارلمان تصویب کنند، یعنی دو سوم اعضای پارلمانی که بیشتر آنها شیعه هستند و اگر اهل تسنن را نیز به آنها بیفزاییم همگی آنها از مسلمانان خواهند بود. چنانچه به ماده‌های دیگر این قانون اساسی نگاه کنیم، می‌بینیم که به صورتهای گوناگون این دین است که حرف آخر را در آن می‌زند و به همین سبب می‌توان آنرا یک قانون اساسی تئوکراتیک به‌شمار آورد که با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مفاد آن همخوانی‌هایی دارد.

نکته‌ای که در این میان اهمیت دارد، نزدیک بودن دیدگاههای ایران و آمریکا در زمینه قانون اساسی عراق، چه از نظر محتوایی و چه از نظر سرعت در تدوین و تسریع در همه‌پرسی آن است، درحالی‌که تدوین این قانون با مخالفت‌هایی در درون و بیرون از صحنه سیاسی عراق روبرو شده بود. برای نمونه، عمروموسی، دبیرکل

● با بررسی امکان رابطه و تعامل میان ایران و آمریکا، بعنوان دو بازیگر مؤثر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در عراق و با توجه به اهداف و منافع آنها در آن کشور، می‌توان گفت که پارامترهای سه‌گانه شیعیان عراق و حضور آنها در رأس حکومت، چارچوب قانون اساسی و مهمتر از همه فرایندهای امنیتی عراق، وضعی خاص پدید آورده است.

● ائتلاف ایران و عراق، وضع شیعیان را در دیگر کشورهای عربی بهبود بخشیده است و به آنها این امکان را می‌دهد که با آزادی بیشتری در پی برآوردن حقوق سیاسی خود باشند. بر این پایه، هر گونه قدرت یابی شیعیان در منطقه، هر چند به گونه‌ای نسبی، می‌تواند به افزایش قدرت و اثرگذاری ایران بینجامد. از سوی دیگر، يك عراق «دوست» به ایران این امکان را می‌دهد که ارتباط زمینی مستقیم با سوریه برقرار کند.

### امنیت در عراق

واگذاری حاکمیت واقعی عراق به شهروندان که در پی فروپاشی رژیم بعثی پدید آمده است، برای امنیت کشورهای همسایه عراق بسیار سودمند بوده است. راهبرد امنیتی آمریکا در عراق، همانند مورد افغانستان و براندازی طالبان، یکی از مهمترین خطرهای امنیتی برای منافع ملی ایران را از میان برداشته و با ایجاد فرصتهایی در این زمینه برای ایران، هم‌اکنون شرایطی فراهم آورده است تا ایران و آمریکا بتوانند با نزدیکتر کردن انتظارات امنیتی خویش در عراق، همکاریهایی گسترده‌تر را به نمایش بگذارند.

### فرصتهای ایران:

فرصتهایی که با برچیده شدن رژیم صدام در حوزه امنیتی و نظامی نصیب ایران شده چند مورد است: نخست اینکه برکناری صدام حسین، به تنهایی خود دستاورد و فرصت بزرگی برای ایران شمرده می‌شود زیرا صدام حتی تا واپسین روزهای فروپاشی حکومتش حاضر به پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نشده بود و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی عراق نیز به معنای برقراری صلح در مرزهای دو کشور نبود و در صورت ادامه یافتن حاکمیت حزب بعث در آن کشور، بی‌گمان

نهایی آن درحالی که این امر با پیشواز بیشتر دولتها و نهادهای بین‌المللی مرتبط با این کشور روبه‌رو شده بود، کشورهای عرب که نخست در برابر این جریان سکوت کرده بودند، رفته‌رفته مخالفت‌های خویش با تصویب قانون اساسی عراق و مفاد آن که دست شیعیان را در حکومت عراق بازمی‌گذاشت، آشکار کردند. از یکسو سازمان ملل و دبیرکل آن، کوفی عنان، اتحادیه اروپا، آمریکا و سران ایران با اظهارنظرها و پیامدهای خود برگزاری موفقیت‌آمیز این همه‌پرسی را به ملت آن کشور تبریک گفتند. و از سوی دیگر درحالی که هنوز مقامات عراقی و ناظران بین‌المللی سرگرم شمارش آراء بودند، مطبوعات عرب به پیروی از دولتهای خویش چهره تاریکی از آینده عراق ترسیم می‌کردند. روزنامه الاهرام پرتیراژترین روزنامه مصر و از روزنامه‌های معتبر جهان عرب در تحلیلی از وضع آن روزهای عراق، رأی مثبت یا منفی به قانون اساسی عراق را بر امنیت یا بهبود شرایط زندگی در عراق چندان مؤثر ندانست. (استقبال، ۱۳۸۴). روزنامه دولتی الاخبار نیز قانون اساسی تازه عراق را بدعت آمیز خواند و نوشت که این سند مورد پشتیبانی یکی از مهمترین و بانفوذترین بخشهای جامعه عراق یعنی عربهای سنی نیست (همان). اما ایران در واکنش به تأیید قانون اساسی در عراق، حضور ملت عراق در همه‌پرسی قانون اساسی و تصویب آنرا نشان وحدت و همدلی و عزم راسخ شهروندان و نیروهای سیاسی آن کشور برای برپایی جامعه‌ای آزاد، مستقل و شکوفا دانست (فراهانی، ۱۳۸۴: ۹).

هرچند واکنش مثبت ایران و آمریکا به تصویب قانون اساسی در عراق، از اصول و مبانی ویژه هر يك از این دولتها سرچشمه می‌گیرد، اما این اشتراك مواضع خود نشانگر بخشی از اشتراك منافع این دو کشور در عراق است. نکته دیگری که در روند تدوین و تصویب قانون اساسی عراق و نیز موارد پس از آن باید در نظر داشت عمل‌گرایی شیعیان عراق و درك درست اوضاع و شرایط جاری این کشور از سوی احزاب مهم شیعی و مجمع ملی عراق است که به همکاری ایشان با هر دو قدرت ایران و آمریکا در زمینه مسایل عراق و بهره‌گیری از حمایت‌های هر دو انجامیده است و این پدیده در زمینه روابط ایران و آمریکا نیز بی‌اثر نخواهد بود.

ایرانیان را بر آن داشت که تدبیر تازه‌ای در زمینه ناآرامی‌های عراق ببیندیشند. در چنین شرایطی گفت‌وگوی زلمای خلیل‌زاد با مسئولان ایرانی در نوامبر ۲۰۰۵ که بنا به گفته او با توجه به خواسته بوش صورت پذیرفته بود پیش آمد (سفیر آمریکا، ۱۳۸۴) و کاندولیزا رایس وزیر خارجه آمریکا نیز در اکتبر ۲۰۰۵ در سخنانی در زمینه نقش ایران در امنیت عراق و آینده آن کشور به روشنی گفت که واشنگتن در حال بررسی احتمال تماس‌های مستقیم با ایران برای کاهش خشونت‌ها در عراق است (آمریکا، ۱۳۸۴).

به هر رو تهران خواهان برقراری ثبات در عراق و نگران ادامه یافتن ناآرامیها در آن کشور است و کسانی که زمانی از «ویتنامیزه» شدن عراق سخن می‌گفتند، امروز بیشتر بر بازگشت امنیت و آرامش به آن کشور تأکید دارند (زیدآبادی، ۲۰۰۵: ۱).

بدین‌سان، با وجود دشمنی دیرینه میان ایران و آمریکا، هر دو کشور منافع مشترکی در ثبات و امنیت عراق دارند، اما موانعی بر سر راه دو کشور قرار گرفته است که نمی‌گذارد برای ایجاد ثبات و امنیت در عراق همکاری متقابل و نزدیک داشته باشند به گونه‌ای که مقامات دو کشور هر یک به گونه‌ای از گفت‌وگوی چهره به چهره روگردانند و هنوز راه‌حل مناسب و مشترکی برای رفع دشمنی دیرین خود نیافته‌اند؛ هرگاه نیز که زمینه‌های گفتگو فراهم آمده است، افراد و گروه‌هایی در درون این کشورها یا بازیگرانی از بیرون، برای به بار نشستن این گونه تماس‌ها و مذاکرات دست‌به‌کار شده‌اند.

در این میان نومحافظه‌کاران افراطی در ایالات متحده که هرگونه تماس با جمهوری اسلامی را نشانه ضعف ایالات متحده به‌شمار می‌آورند و برخی از آنان به چیزی کمتر از تغییر رژیم ایران رضایت نمی‌دهند، از جمله تصمیم‌سازان درونی هستند که راه را بر گفت‌وگو می‌بندند. از سوی دیگر، کشورهای اروپایی و بویژه انگلستان که منافع سیاسی و اقتصادی چشمگیری در سایه حضور نداشتن ایالات متحده در معادلات ایران، بویژه در صنعت نفت و گاز به‌دست آورده‌اند همراه با کشورهای عرب منطقه که در صورت گرم شدن روابط ایران و آمریکا موقعیت کنونی خود را نزد سیاستمداران آمریکایی از دست خواهند داد و نیز اسرائیل که پس از فروپاشی رژیم

ناامنی در مرزهای غربی ایران همچنان باقی می‌ماند. افزون بر این، از میان رفتن تهدید امنیتی حزب بعث عراق، از هم‌پاشیدگی يك سازمان مخالف جمهوری اسلامی را که سالها در عراق جاخوش کرده بود و به یاری حکومت بعثی به منافع ایران آسیب می‌زد در پی داشت که پس از حمله نیروهای ائتلاف پاره‌ای از اعضای آن خلع سلاح و ناگزیر از ترك عراق شدند یا اینکه در محاصره نیروهای ائتلاف قرار گرفتند (احمدزاده، ۱۳۸۲: ۲۲۲-۲۲۱).

پیش از حمله آمریکا به عراق و براندازی رژیم صدام حسین، بسیاری از ایرانیان می‌گفتند که عراق همانند ویتنام به باتلاقی برای ارتش آمریکا تبدیل خواهد شد. بروز آشوب و بی‌نظمی در عراق پس از براندازی صدام و عملیات انتحاری پی‌درپی برضد اهداف آمریکایی و عراقی سبب شد که این پیش‌بینی درست شمرده شود و شاید بازتاب همین برداشت در رسانه‌های ایرانی بود که نه تنها نیروهای ائتلاف زیر رهبری آمریکا، بلکه حتی برخی از اعضای دولت موقت عراق را نسبت به اهداف ایران در عراق بدبین کرد و این گمان را پیش آورد که جمهوری اسلامی علاقه چندانی به تأمین امنیت عراق ندارد و حتی ادعا شد که ایران از نیروهای زیر نفوذ خود برای ایجاد هرج‌ومرج و بی‌ثباتی در عراق بهره‌برداری می‌کند.

اما جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های کلان و رسمی خود پیش از آغاز جنگ، با اعلام مخالفت جدی با حمله نظامی آمریکا و همپیمانانش به عراق، برعکس نظر برخی کسان که بر پایه احساسات ناپخته، رژیم بعثی را رژیمی اسلامی فرض می‌کردند و حمله به آنرا حمله به جهان اسلام می‌شمردند، بی‌طرفی کامل در برخورد‌های نظامی را به گونه رسمی اعلام کرد و تا پایان ماجرا نیز به این سیاست سنجیده، درست و عملگرا وفادار ماند. با توجه به پیوندهای استواری که بیشتر گروه‌های ملی عراق با جمهوری اسلامی ایران داشتند و اکنون نیز دارند، روشن بود که هرگونه رژیمی که با شرکت همه گروه‌های ملی عراق قدرت را در آن کشور به دست گیرد، مانند هر رژیم فراگیری که در افغانستان حکومت کند، پایبند دوستی و همکاری با ایران خواهد بود (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۲۱-۲۰).

سرانجام، واقعیت‌های سیاسی و استراتژیک عراق،

امنیت عراق کارایی لازم را نخواهد داشت.

## مراجع و منابع:

- «آمریکا تماسهای سفیر خود در عراق را با ایران کم اهمیت شمرد»، [http://www.mehrnews.com/fa/News\\_Detail.aspx?News\\_ID=259379](http://www.mehrnews.com/fa/News_Detail.aspx?News_ID=259379)، از: (۱۳۸۴)، (۱۳۸۵/۳/۱)
- احمدزاده، داود (۱۳۸۳)، «پیشنهاد ایران برای توافق امنیتی با عراق»، **تحوّلات جهان ۳۰**
- «استقبال کشورهای هم‌پرسی قانون اساسی عراق و سکوت سؤال برانگیز کشورهای عربی»، [http://www.mehrnews.com/fa/News\\_Detail.aspx?News\\_ID=242126](http://www.mehrnews.com/fa/News_Detail.aspx?News_ID=242126)، از: (۱۳۸۴)، (۱۳۵۸/۲/۱۱)
- امین‌زاده، محسن (۱۳۸۵)، «سرانجام بحران روابط ایران و آمریکا»، ماهنامه نگاه، ش ۴۹ (اردیبهشت ۱۳۵۸)
- امینی، مهران (۲۰۰۴)، «گاهشمار: آغاز جنگ تا تصویب قانون اساسی موقت»، از: [www.bbc.co.uk/persian/interactivity/blog/story/2004/03/040319\\_aa\\_iraqwar.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/interactivity/blog/story/2004/03/040319_aa_iraqwar.shtml) (۱۹ مارس ۲۰۰۶)
- برژنسکی، زبینگنیو و رابرت گیتس (۲۰۰۴)، «لزوم رویکرد جدید آمریکا در قبال ایران»، ترجمه مجتبی امیری وحید، اطلاعات بین‌المللی (۱۳۸۵/۵/۲)
- پلامر، برادفورد (۱۳۸۳)، «آمریکا تعریف مشخصی از انتظارات خود ندارد»، ترجمه مهران قاسمی، شرق، (۱۳۸۳/۵/۱۵)
- «تاثیر ایران در آینده عراق بیشتر خواهد بود»، [http://www.mehrnews.com/fa/News\\_Detail.aspx?News\\_ID=259379](http://www.mehrnews.com/fa/News_Detail.aspx?News_ID=259379)، از: (۱۳۸۴)

پس از برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی و تصویب نهایی آن در حالی که این امر با پیشواز بیشتر دولتها و نهادهای بین‌المللی مرتبط با این کشور روبه‌رو شده بود، کشورهای عرب که نخست در برابر این جریان سکوت کرده بودند، رفته‌رفته مخالفت‌های خویش با تصویب قانون اساسی عراق و مفاد آن که دست شیعیان را در حکومت عراق بازمی‌گذاشت، آشکار کردند.

صدام، ایران را تنها بهانه وارد کردن فشار سیاسی و تبلیغاتی به مقامات آمریکایی برای پشتیبانی آنان از خود می‌داند، از بازیگران بیرونی هستند که در زمینه روابط ایران و آمریکا سنگ اندازی می‌کنند.

## بهره سخن

با بررسی امکان رابطه و تعامل میان ایران و آمریکا، بعنوان دو بازیگر مؤثر منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در عراق و با توجه به اهداف و منافع آنها در آن کشور، می‌توان گفت که پارامترهای سه‌گانه شیعیان عراق و حضور آنها در رأس حکومت، چارچوب قانون اساسی و مهمتر از همه فرایندهای امنیتی عراق، وضعی خاص پدید آورده است. این وضع تهران و واشنگتن را، با اینکه از سال ۱۹۷۹ رابطه‌ای با هم ندارند، به ایجاد هماهنگی میان اهداف و منافع خود در عراق متمایل کرده است، تا آنجا که می‌توان از احتمال وجود «منافع مشترک» و شکل‌گیری محور تهران-واشنگتن در چارچوب ترتیبات منطقه‌ای در مورد عراق سخن به میان آورد.

موقعیت پیش آمده در عراق، می‌تواند هر دو قدرت را تا اندازه‌ای به سوی فصل مشترکی از روابط پیش ببرد و این، می‌تواند نقطه عطفی در رفتار دو دولت و آغازی برای گفت‌وگو بر سر مسائل اساسی‌تر باشد. اگر این واقعیت در کنار نگاه ژئوپلیتیکی و راهبردی نخبگان فکری و سیاسی در تهران و واشنگتن به دگرگونی‌های عراق در نظر گرفته شود راهگشای مناسبی برای حل مشکلات خواهد بود. در این راستا، به نظر می‌رسد که اکنون مهمترین حوزه تداخل منافع ایران و آمریکا حل بحران امنیت در عراق بعنوان نیاز مشترک دو کشور است. بحران عراق و مسأله بسیار مهم استقرار امنیت داخلی در آن کشور، که با لشگرکشی اسرائیل به لبنان (ژوئیه و اوت ۲۰۰۶) شدت یافت، اهمیت و حساسیت رفتار ایران را در سیاست و دیدگاه‌های منطقه‌ای آمریکا برجسته‌تر از پیش کرده است تا آنجا که هیچ‌گاه رفتار و نقش ایران برای آمریکا تا این اندازه مهم و حساسیت‌برانگیز نبوده است، به گونه‌ای که حتی مسأله صلح اعراب و اسرائیل و نقش ایران و آمریکا در این روند را نیز در سایه خود گرفته است. بی‌گمان ایالات متحده باید بپذیرد که بی‌همکاری ایران هیچ طرحی برای ثبات و امنیت منطقه (از دید کلی) و بویژه ثبات و

www. aftarnews. ir/ vdcab en 49 anwu. html  
(۱۳۸۵/۱/۱۵).  
ایران، (دی ماه ۱۳۸۲).

- «عراق دروازه نفوذ ایران به جهان عرب»، (۱۳۸۴)، از:

<http://www.aftarnews.ir/vdcceoxq2bqo.html>  
(۱۳۸۵/۴/۳۱).

- «فتح الفتوح ایران در خاورمیانه با پیاده نظام آمریکا»، (۱۳۸۴)، از:

<http://www.baztab.com/print.php?id=35232>  
(۱۳۸۵/۱/۳۰).

- فراهانی، احمد (۱۳۸۳)، «انتخابات و تحقق حکومت شیعی در عراق»، از:

<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=na00020052701501510>  
(۱۳۸۵/۲/۱۸).

- فراهانی، احمد (۱۳۸۴)، «تصویب قانون اساسی، گامی در جهت استقرار دموکراسی در عراق»، از:

<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=na00020054711230809>  
(۱۳۸۵/۳/۲۳).

- قاسمی، مهران (۱۳۸۴)، «ایران و گزینه‌های فراروی ایالات متحده»، از:

<http://www.aftarnews.ir/vdcipuatl yazz.html>  
(۱۳۸۵/۲/۱۱).

- قاسمی، علی (۱۳۸۴)، «سلاح دموکراتیک در مقابله با تروریسم در عراق»، از:

<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=na00020050009310713>  
(۱۳۸۵/۱/۱۶).

- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت.

● با توجه به پیوندهای استواری که بیشتر گروه‌های ملی عراق با جمهوری اسلامی ایران داشتند و اکنون نیز دارند، روشن بود که هرگونه رژیم‌ریزی که با شرکت همه گروه‌های ملی عراق قدرت را در آن کشور به دست گیرد، مانند هر رژیم فراگیری که در افغانستان حکومت کند، پایبند دوستی و همکاری با ایران خواهد بود.

www. aftarnews. ir/ vdcab en 49 anwu. html  
(۱۳۸۵/۱/۱۵).

- حسینی، حسن (۱۳۸۴)، طرح خاورمیانه بزرگتر (القاعده و قاعده در اهر برد امنیت ملی آمریکا)، تهران: ابرار معاصر.

- حیدری، محمد (۱۳۸۲)، «تحلیل وضعیت امنیتی عراق پس از اشغال در سطح منطقه‌ای و بین‌الملل و تأثیر آن بر امنیت ایران»، از:

<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp00020045007420315>  
برداشت از: فصلنامه مطالعات خاورمیانه (پائیز ۱۳۸۲).

- «دبیر کل اتحادیه عرب متن قانون اساسی عراق را نمی‌پسندد»، (۱۳۸۴)، از:

<http://www.aftarnews.ir/vdcaa0n49anw6.html>  
(۱۳۸۵/۲/۱۰).

- «رقابت ایران و آمریکا بر سر نفوذ بیشتر در عراق»، (۱۳۸۴)، از:

<http://www.aftarnews.ir/vdcjaaxeuqet.html>  
(۱۳۸۵/۴/۲۷).

- «روابط ایران و ایالات متحده از دیدگاه شورای روابط خارجی آمریکا»، (۱۳۸۳)، بولتن ویژه مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، شماره: ۸۳/۱۰۴/۳۴، مرداد ماه ۱۳۸۳.

- زیدآبادی، احمد (۲۰۰۴)، «سیاست ایران و آمریکا در عراق: همکاری تاکتیکی، خصومت استراتژیک»، از:

[http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2004/08/040801a\\_zy\\_iran\\_iraq\\_usa.sh\\_tml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2004/08/040801a_zy_iran_iraq_usa.sh_tml)  
(ژوئن ۲۰۰۶).

- زیدآبادی، احمد (۲۰۰۵)، «دولت شیعه در عراق، معضلی تازه برای جمهوری اسلامی؟»، از:

[http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2005/04/050411a\\_z\\_iran\\_iraq\\_jafari.s.html](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2005/04/050411a_z_iran_iraq_jafari.s.html)  
(۱۱ دسامبر ۲۰۰۵).

- «سفیر آمریکا در عراق: بوش از من خواست برای توقف ناآرامی‌ها از ایران کمک بگیرم»، (۱۳۸۴)، از:

[http://mehrnews.com/fa/News\\_Detail.asp?NewsID=259039](http://mehrnews.com/fa/News_Detail.asp?NewsID=259039)  
(۱۳۸۵/۴/۱۵).

- شاه‌رکنی، هدایت‌الله (۱۳۸۲)، «نامنی در عراق، پاشنه آشیل بوش»، از:

<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=iv00020040801352614>  
برداشت از: جام جم (۶ بهمن ۱۳۸۲).

- «طلوع آفتاب شیعه»، (۱۳۸۲)، از:  
<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp>

- ج اول، تهران: ابرار معاصر.
- یزدانی، عنایت‌الله و شجاع، مرتضی (۱۳۸۵)، «نفت: ابزار قدرت در سده ۲۱: آمریکا و نفت خلیج فارس»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س ۲۰ ش ۷۸، صص: ۱۵۸-۱۶۵.
- Afrasiabi K.L. and A. Maleki (2003) "Iran's Foreign Policy after September 11", **The Brown Journal of World Affairs**, Vol. 9, No. 2, pp. 255-265.
- Ekovich, Steven (2004) "Iran and New Threats in the Persian Gulf and Middle East", **Orbis**, Vol. 48, No. 1 (Winter), pp. 71-87.
- Hunter, S.T. (2003) "Iran's Pragmatic Regional Policy", **Journal of International Affairs**, Vol. 56, No. 2 (Spring), pp. 133-147.
- Gendzier, Irene (2003) "Oil, Iraq and US foreign Policy in the Middle East", **Situation Analysis**, No.2, Spring, pp. 18-28.
- Kaplan, Lawrence F. and William Kristol (2003) **The War Over Iraq: Saddam's Tyranny and America's Mission**, San Francisco: Encounter Book.
- Katzman, Kenneth, (2001) "The end of dual containment: Iraq, Iran and smart sanctions", **Middle East Policy**, Vol. 8, No. 3, Sep. pp. 71-89.
- Katzman, Kenneth (2004) "Iran: US Concerns and Policy Response", **Congressional Research Service Paper**, Nov. Washington.
- Kleveman, Lutz, (2003) "Oil wars: From Central Asia to Iraq", **Open Democracy**, 10 Sep. pp. 51-62.
- Pelletiere, Stephen C (2004) **Iraq and the International Oil System: Why America Went to War in the [Persian] Gulf**, London: Merlin P.
- Yazdani, Enayatollah and Hussain Rizwan, (2006) "United States' Policy towards Iran after the Islamic Revolution: An Iranian Perspective", **International Studies**, Vol. 43, No. 3, July - Sep. 2006, pp. 267-289.
- کویچان، کلیفورد (۱۳۸۳)، «تجربه اروپا مدل مناسبی برای آینده امنیت خلیج فارس است»، خبرگزاری ایستا، ۱۳۸۳/۱۲/۱۱، کد خبر: ۴۱۵۷-۰۸۳۱۲.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۲)، «جهان سیاسی در سالی که گذشت»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س ۱۷، ش ۷ و ۸ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲) صص: ۲۹-۴.
- «مثلاً حیاتی ایران، عراق و آمریکا»، (۱۳۸۴)، از: [http://www.aftabnews.ir/vdcc/0\\_sq\\_2bmq1.s.html](http://www.aftabnews.ir/vdcc/0_sq_2bmq1.s.html) (۱۳۸۵/۴/۲۵).
- «مذاکره با ایران تنها در مورد عراق خواهد بود»، (۱۳۸۴)، از: <http://www.aftabnews.ir/vdcf0/mdw6/jdc0.html> (۱۳۸۵/۱/۱۸).
- معصومی، سارا (۱۳۸۴)، «قانون اساسی عراق، جامع‌ترین قانون جهان اسلام»، از: <http://www.aftabnews.ir/vdcjhieuqoeyv.html> (۱۳۸۵/۲/۲۹).
- واحدنوان، عارف (۱۳۸۴)، از: [http://www.did.ir/document/index\\_fa.asp?cn=iv00020051006382714](http://www.did.ir/document/index_fa.asp?cn=iv00020051006382714) برداشت از: ایران (۶) تیر (۱۳۸۴).
- یزدی، ابراهیم (۱۳۸۵)، «ایران، عراق و آمریکا»، از: <http://fardanews.com/show/print.php?id=21012> (۱۳۸۵/۵/۵).

### منابع برای مطالعه بیشتر

- امینی، آرمین (۱۳۸۲)، «آثار حمله آمریکا علیه عراق بر نظام بین‌الملل»، ماهنامه نگاه؛ س ۴ ش ۳۵.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۱)، «عراق جدید، خاورمیانه جدید، پیامدهای نظری برای ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، س ۹ ش ۴، صص: ۳-۹.
- کارل، کیسین و دیگران (۱۳۸۱)، جنگ آمریکا و عراق، هزینه‌ها، پیامدها و گزینه‌های موجود، تهران: ابرار معاصر.
- ویسی، مراد (۱۳۸۲)، مسائل ایران و عراق، (عراق پس از صدام)،